گفت‌وگو با زنی که در پارک‌های جنوب تهران به کمین طعمه‌هایش می‌نشست

شکارچی پیرمردهای تنها در دام

زن تنها که شوهر افیونی‌اش کارتن خواب شده، به خاطر بی‌پولی و شرایط بد زندگی به سراغ پیرمردهای تنها در پارک می‌رفت و به بهانه آشپزی و نظافت به خانه آن‌ها راه می یافت و سناریوی سرقت به شیوه بیهوشی را عملی می‌کرد.

۲۷ خرداد ماه ۹۸ بود که مردی ۶۸ ساله با حضور در کلانتری ۱۲۷ نارمک تهران از گرفتار شدن در دام سرقت یک زن فریبکار خبر داد.

مرد تنها ادعا کرد: در پارک شقایق شرق تهران نشسته بودم که زن ۵۶ ساله نیز در کنارم روی صندلی نشست. وقتی شروع به صحبت کردیم، زن غریبه از من درباره متاهل بودنم سوال کرد که در جواب گفتم چند سال است همسرم فوت کرده و به تنهایی زندگی می‌کنم.

وی ادامه داد: سپس سهیلا با جلب اعتماد من گفت که می‌تواند در کار نظافت و آشپزی کمکم کند و همین باعث شد برای آشپزی و انجام کارهای خانه از او دعوت کنم. زن تنها نیز پذیرفت و به خانه رفتیم.

این مرد گفت: سهیلا پس از حضور در خانه به آشپزخانه رفت و دو نوشیدنی خنک آماده کرد و هر دو آن را خوردیم اما پس از دقایقی احساس سنگینی در چشمانم کردم و آرام آرام روی مبل خوابیدم. وقتی به هوش آمدم خودم را روی تخت بیمارستان دیدم، آن جا بود که فهمیدم زن ناشناس مرا بیهوش کرده و بعد از ۲۰ روز در بیمارستان به هوش آمده‌ام و در ادامه متوجه سرقت طلاها و پول‌های داخل خانه شدم.

با توجه به حساس بودن پرونده، تیمی از ماموران پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران برای دستگیری زن فریبکار وارد عمل شدند و در گام نخست مشخص شد چند مرد دیگر در دام فریبکاری او گرفتار شده‌اند.

تیم پلیسی در گام بعدی به کمک طعمه‌های زن فریبکار توانستند سهیلا ۵۶ ساله را که یک بار سابقه سرقت به همین شیوه بیهوشی داشت، شناسایی کنند و روز ۲۵ تیرماه در عملیاتی غافلگیرانه این زن دستگیر شد.

■ سرنوشت عجیب زن فریبکار

سهیلا ۵۶ ساله که سرنوشت عجیبی دارد، تاکید می کند به خاطر فقر و مسائل اقتصادی مجبور شده دست به این دزدی‌های فریبکارانه بزند: نوجوان بودم که با اصرارهای خانواده‌ام به عقد پسرعمویم در آمدم، آن روزها همه از سالم بودن همسرم حرف می‌زدند با این حال، من به او هیچ حسی نداشتم و با این ازدواج مخالف بودم اما تصمیم گرفته شده بود و به اجبار با پسرعمویم ازدواج کردم.

روزهای نخست زندگی همسرم سعی می کرد اعتیادش را پنهان کند، با این که من متوجه ماجرا شده بودم ولی راه بازگشتی نبود و با این شرایط به زندگی‌ام ادامه دادم.

روزها گذشت و فرزندانم بزرگ شدند و همگی ازدواج کردند. شوهرم شیشه‌ای شده بود و شاید باور نکنید جلوی چشمان من و فرزندانش بعد از مصرف شیشه با چاقو دستانش را زخمی می کرد و از جاری شدن خون لذت می‌برد و این در حالی بود که آرامش از من و فرزندانم گرفته شده بود و همیشه ترس همراهمان بود.

در این شرایط به زندگی‌ام ادامه دادم اما از چندی قبل شوهرم که دیگر اعتیادش شدید شده بود، از خانه رفت و مرا تنها گذاشت. بعد از مدتی فهمیدم که همسرم دیگر یک کارتن خواب شده و شب ها را در خیابان می‌گذراند و من که زنی تنها هستم برای تامین اجاره خانه و هزینه زندگی‌ام تصمیم به سرقت گرفتم.

سهیلا آرام اشک می‌ریزد و به تصمیم اشتباه خانواده‌اش که او را به این منجلاب کشیده اعتراض دارد و ناراحت کننده‌تر از همه این اتفاقات، تنها گذاشتن او از سوی فرزندانش است.

زن تنها می گوید که اگر یک نفر از من حمایت مالی می کرد هیچ وقت به دنبال دزدی و بی آبرو شدن نمی رفتم. او برای مرگش لحظه شماری می کند تا از این همه فقر و بدبختی نجات پیدا کند.

■ گفت‌وگو با سهیلا

سهیلا ۵۶ ساله که یک متهم سابقه‌دار است ادعا می کند قصد دارد وقتی پایش به زندان رسید، دست به خودکشی بزند و مشخص نیست علت تناقض گویی‌هایش بالا بودن سن اش است یا فرار از سنگین شدن اتهاماتش!

■ آخرین بار کی زندان بودی؟

یادم نمی‌آید.

■ وقتی جوان بودی سرقت کردی یا به تازگی؟

سال ۹۵ بود که به خاطر سرقت دستگیر شدم و سه ماه در زندان بودم.

■ همسر و خانواده‌ات از سرقت‌ها اطلاع دارند؟

نه، البته سال‌هاست که از همسرم خبر ندارم.

■ چطور؟

۱۴ سال است که خبر ندارم و در این مدت فرزندانم کمکم می‌کردند.

■ طلاق گرفتی؟

دو سال قبل از همسرم جدا شدم.

■ چرا؟

به هروئین و شیشه اعتیاد داشت و چند سال قبل از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت و متوجه شدم کارتن خواب شده است.

■ چند فرزند داری؟

دو پسر و یک دختر.

■ چرا دزدی کردی؟

به خاطر فقر و بی‌پولی.

■ فرزندانت کمک نمی‌کنند؟

نه، همه آن‌ها ازدواج کرده‌اند و مستاجر هستند و می‌گویند پولی ندارند.

■ چطور طعمه‌هایت را شناسایی می‌کردی؟

در پارک و خیابان با آن‌ها آشنا می‌شدم و به بهانه آشپزی و نظافت به خانه مردان تنها می‌رفتم.

■ آن‌ها را چطور بیهوش می‌کردی؟

دو عدد قرص خواب آور در غذاهایشان می ریختم که بعد از خوردن غذا، بیهوش می شدند و من دزدی می‌کردم.

■ قرص‌ها را از کجا تهیه می‌کردی؟

خودم به خاطر بیماری اعصاب شبی یک قرص خواب آور می‌خورم و از همان قرص‌ها دو عدد داخل غذا یا نوشیدنی مردان تنها می‌ریختم.

■ طعمه‌هایت بیشتر چه افرادی بودند؟

مردان سن بالا و تنها که زود اعتماد می کردند.

■ چقدر طول می‌کشید طعمه‌هایت بیهوش شوند؟

یک تا دو ساعت طول می کشید تا خواب شان ببرد.

■ چقدر پول به سرقت بردی؟

باور کنید پول زیادی به دست نیاوردم، این که ادعا کردند طلاهایشان سرقت شده دروغ است چون یک پیرمرد تنها طلا در خانه ندارد و من فقط پول به سرقت بردم که زیاد نبود.

■ این شیوه و شگرد را از کجا یاد گرفتی؟

در زندان که بودم شنیدم بعضی‌ها به این شیوه در شمال تهران دست به سرقت زده‌اند.

■ به نظرت کسی که شرایط مالی خوبی ندارد باید دزدی کند؟

نه، درست نیست.

■ فکر نمی‌کردی قرص‌ها باعث مرگ طعمه‌هایت شود؟

نه، به این موضوعات فکر نمی کردم.

■ مسبب این مشکلات چه کسی است؟

خانواده‌ام، چون من مخالف ازدواج با پسرعمویم بودم اما پدر و مادرم اصرار کردند که با او ازدواج کنم.

■ همسرت از ابتدا اعتیاد داشت؟

مادرش می گفت اعتیاد ندارد اما دروغ گفته بودند.

■ شنیدم قصد داری خودکشی کنی؟

بله، تنها هستم و هیچ کسی کمکم نمی کند و چون آبرویم رفته به زندان برسم خودکشی می کنم.

■ از هیچ نهادی کمک نخواستی؟

قرار است وقتی آزاد شدم کمیته امداد به من حقوق دهد.

لغزش زنانی که پناهگاه محکمی در جامعه ندارند

دکتر قربانعلی ابراهیمی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه| فقر پدیده ای است که آسیب های اجتماعی بی شماری را به جامعه تحمیل می کند. با افزایش فقر در جامعه به طور قطع آسیبی که تهدید کننده به شمار می رود فحشا و شیوع روابط نامشروع خواهد بود. اگر در یک جامعه به شدت فقر افزایش پیدا کند، آمارهای فحشا و بروز رفتارهای ناهنجار و ضد اجتماعی نیز نگران کننده خواهد شد. در بروز این پدیده خطرناک می توان گفت برخی افراد که توان ازدواج و تشکیل خانواده ندارند به دلیل فشارهای اقتصادی و فقر مطلق به رفتارهای غیر اخلاقی روی می آورند اما در سوی دیگر این اتفاقات دیده می شود که برخی افراد در سنین بالا به دلیل فقر به فحشا و رفتارهای غیر اخلاقی روی می آورند. در چنین شرایطی جامعه در مرحله بحران به سر می برد و افراد در سنین بالا برای تامین هزینه های زندگی شان دست به روابط غیر متعارف می زنند. در بررسی این پرونده ها باید گفت این افراد در سنین بالا به حال خود رها شده اند و در پیچ و خم زندگی به دلیل نداشتن راهکار مناسب به برقراری ارتباطات غیر اخلاقی تمایل دارند که چیزی جز تباهی عایدشان نمی شود. متاسفانه جامعه و نهادهای مسئول برای پیشگیری از این حوادث مخرب راهکاری ارائه نمی دهند و همین مسئله باعث شیوع پدیده ای ناهنجار می شود. حمایت مالی از افراد در سنین بالا راهی برای پیشگیری و نجات جامعه خواهد بود که متاسفانه در جامعه ما چنین تدابیری اندیشیده نشده است. وجود موانع و محدودیت های متعدد و فراوان سر راه افراد در سنین بالا، گرایش به مجرد ماندن مطلق، از هم پاشیدگی خانواده ها و نبود حامی مناسب از جمله مواردی است که باعث شیوع این پدیده می شود و گاه برخی زنان برای تامین هزینه های زندگی در سنین بالا به برقراری ارتباطات ناهنجار تمایل پیدا می کنند. شکسته شدن حرمت های خانوادگی، افزایش اختلافات خانوادگی و زناشویی و نبود انسجام عاطفی در خانواده ها و نبود آسایش و آرامش در زندگی میزان رضایتمندی را کاهش می دهد و برخی افراد به راحتی مرتکب هر عمل خلاف و نامشروعی می شوند. متاسفانه تکریم نکردن زنان در جامعه امروزی سبب شده نگاه ابزاری به زنان در هر سنی رشد کند و برخی مردان به خود اجازه دهند در ازای تامین هزینه های زندگی این دسته از زنان از آن ها توقعات نامعقولی داشته باشند و اغلب این زنان که در تنگنای اقتصادی و فشار روانی هستند تن به رفتارهای غیرمعقول می دهند. جامعه در برابر بروز این آسیب ها مقصر است زیرا اگر بسترهای فرهنگی جامعه غنی باشد و زنان هنگام طرد شدن از خانواده در سنین بالا پناهگاهی محکم داشته باشند قطعا برای تامین هزینه های مادی مرتکب هر عمل زشت و ناپسندی نمی شوند.

■ آزاد شوی دوباره دزدی می کنی؟

نه، باید خودم کار کنم، دزدی هیچ آخر و عاقبتی ندارد.

بنا بر این گزارش، این زن برای تحقیقات بیشتر و شناسایی دیگر طعمه‌های احتمالی اش در اختیار ماموران پلیس آگاهی تهران قرار دارد.

دیوان، حکم قصاص ۲ قاتل را تایید نکرد و پرونده دوباره بررسی می‌شود

تناقض گویی عاملان آتش زدن پدری با پسر معلولش

حکم قصاص دو مرد که در نقشه ای شوم پدر و پسر نوجوان معلول اش را کشته بودند از سوی قضات دیوان شکسته شد. بیستم دی سال ۹۳ زنی نگران به پلیس آگاهی دماوند رفت واز ناپدید شدن همسر ۴۷ ساله اش به نام یاسر و پسر ۱۳ ساله به نام یاشار خبر داد. این زن گفت : همسرم دیروز به محل کارش رفت اما به خانه بازنگشت. چون نگران او شده بودم از پسرم که از معلولیت جسمانی رنج می برد خواستم دنبال پدرش برود اما یاشار هم از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. حالا می ترسم بلایی بر سر همسر و پسرم آمده باشد. پلیس به تحقیق پرداخت اما ردی از پدر و پسر گمشده به دست نیاورد. چند نفر از دوستان یاسر که آخرین بار با وی ملاقات کرده بودند به عنوان مظنون بازداشت شدند اما پلیس به نتیجه مطلوب نرسید. راز ناپدید شدن این پدر و پسر همچنان در هاله ای از ابهام قرار داشت تا این که پلیس در حاشیه پردیس بقایای جنازه سوخته دو نفر را پیدا کرد. آزمایش های دی ان ای نشان داد جنازه متعلق به یاسر و پسرش است. در حالی که تحقیقات وارد مرحله تازه ای شده بود، پلیس پی برد یاسر یک ماه قبل از ناپدید شدنش با مردی به نام رضا معامله میلیونی داشته است. رضا تحت بازجویی قرار گرفت و منکر اطلاع از سرنوشت یاسر شد. اما تناقض گویی های این مرد اطلاعات تازه ای به پلیس داد. او در بازجویی های بعدی به کشتن یاسر و پسرش با همدستی یکی از دوستانش به نام امیر اعتراف کرد. بدین ترتیب امیر ۳۰ ساله که به شیشه معتاد بود دیابی و بازداشت شد. رضا در ادامه بازجویی ها، امیر را عامل جنایت معرفی کرد و گفت: امیر پدر و پسر را کشته است. امیر نیز گفت که به دستور رضا دست به جنایت زده است. قضات برای امیر به اتهام قتل عمد و برای رضا به اتهام معاونت در دو جنایت کیفرخواست صادر کردند و پرونده به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. آن ها در حالی از خود دفاع کردند که اولیای دم برای شان حکم قصاص خواستند. سپس امیر به دفاع پرداخت و گفت : من این پدر و پسر را نمی شناختم. رضا که از دوستانم بود خودش را اطلاعاتی و فردی با نفوذ معرفی کرده بود. او با من رابطه دوستانه داشت و خرج مواد مخدرم را هم می داد. حتی یک بار مرا برای تفریح به کشور سوئد فرستاد و به عنوان مدیر کارواشی که به تازگی تاسیس کرده بود استخدام کرد. اما پس از مدتی من از کارواش اخراج شدم. یک سال از رضا اطلاع نداشتم تا این که سال ۹۳ بار دیگر به دیدنم آمد. رضا حرف هایی زد و از من خواست تا به او کمک کنم. او می گفت یاسر محارب است و باید خونش ریخته شود چون مرد بی بند و باری است. پسر معلول او نیز مستحق مرگ است. او نقشه قتل را کشید و از من خواست تا آن را اجرا کنم. وی در تشریح جزئیات جنایت گفت: آن روز من و رضا با ماشین دنبال یاسر رفتیم. در میان راه من به دستور رضا، یاسر را با طنابی که از قبل تهیه کرده بودم ، کشتم و جنازه اش را در حوالی پردیس رها کردم. ولی چون یاشار پسر ۱۳ ساله یاسر مدام با رضا تماس و سراغ پدرش را می گرفت با او هم قرار گذاشتیم تا او را پیش پدرش ببریم. وقتی یاشار سوار ماشین شد آب میوه مسمومی را که رضا به من داده بود به او دادم اما نخورد. من در یک لحظه لباس یاشار را روی صورتش کشیدم و سعی کردم او را خفه کنم اما او زنده بود و تقلا می کرد. همان موقع رضا با بیل به سر پسر نوجوان زد و او را کشت. ما جنازه پدر و پسر را در حاشیه پردیس به آتش کشیدیم و سپس برای از بین رفتن بقایای جسد روی آن آهک ریختیم. وی ادامه داد: من قبل از محاکمه هر دو قتل را گردن گرفته بودم چون رضا قول داده بود رضایت اولیای دم را جلب کند. اما حالا که در زندان کاری برایم انجام نداده، تصمیم گرفتم حقیقت را بگویم. من یاشار را نکشتم و رضا قاتل اوست. سپس رضا که با قرار وثیقه آزاد بود، در جایگاه ویژه ایستاد و منکر دست داشتن در جنایت شد. وی همدستش را دروغگو خواند و گفت: من انگیزه ای برای کشتن پدر و پسر نداشتم. با یاسر معامله کرده و در عوض خرید خانه و یلایی ۱۸۰ سکه طلا و ۲۲۰ میلیون تومان پول نقد به او داده بودم. من حتی اتهام معاونت در قتل ها را هم قبول ندارم. من و امیر همرا با یاسر به دماوند رفته بودیم اما نمی دانم چرا یک باره امیر طنابی را دور گردن یاسر انداخت و او را خفه کرد. گمان می کنم او تحت تاثیر مصرف شیشه دست به این جنایت ها زد. وی ادامه داد: من قبلا تحت تاثیر فشارهای روانی به دروغ گفته بودم یاسر و پسرش را به خاطر اعتقاداتی که داشتم کشتم ولی حالا می گویم بی گناهم و انگیزه ای برای قتل آن ها نداشتم. در پایان جلسه هیئت قضایی در حالی وارد شور شد که دستور بازداشت رضا را صادر کرد.

قضات دادگاه پس از تغییر عنوان اتهامی، امیر و رضا را به اتهام مشارکت در قتل به قصاص محکوم کردند اما با اعتراض آن ها به حکم صادر شده پرونده در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی موشکافانه قرار گرفت و تایید نشد.

قضات عالی رتبه دیوان عالی کشور اعلام کردند لازم است تا بار دیگر دو متهم از خود دفاع کنند.

بدین ترتیب حکم قصاص آن ها شکسته و پرونده به شعبه هم عرض ارسال شد. قرار است امیر و رضا این بار در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کنند.

قاتلان اجیر شده

دکتر امان ا... قرائی مقدم- جامعه شناس و آسیب شناس اجتماعی| افرادی که از سوی تبهکاران اجیر می شوند و تن به هر کار خلافی می دهند، اغلب از خانواده های آشفته ای برآمده اند که شیوه های تربیتی شان نادرست بوده و بیشتر این افراد یا بی سرپرست هستند یا در خانواده های تک سرپرست بزرگ شده اند که به دلیل درماندگی ناچار هستند اجیر دست افراد سودجو شوند. فقر، اعتیاد، آشفتگی خانوادگی، فشار اقتصادی و... سبب می شود اغلب کودکان کار یا کودکان خیابانی از سنین کم اسیر دست افرادی شوند که تمکن مالی دارند و از کنار آن ها به سود و منفعتی برسند. اغلب این افراد اجیر شده از خانواده رانده شده و در محیط های نامناسب رشد کرده اند. گروه شکارچیان طعمه هایی را شکار می کنند که اغلب ضعف مالی دارند و به عنوان شاگردان و مریدان خود پرورش شان می دهند. گروه همسالان در شکل گیری شخصیت این افراد بی تاثیر نیست و چون از سنین کم در چنگال افراد سودجو گرفتار می شوند عقده ای بار می آیند و حس انتقام گیری شان از جامعه و مردم تشدید می شود. این افراد تصور می کنند جامعه حق شان را تضییع کرده بنابراین مستعد انجام هر خلافی هستند و به راحتی به قتل و... دست می زنند.

دپارتمان هنرهای نمایشی

مدیر دپارتمان: محمدرضا لبیب

ثبت‌نام ترم تابستان

خراسان
مرکز آموزش تخصصی رسانه

ثبت‌نام حضوری و تلفنی
مشهد
بلوار شهید صادقی (سازمان آب)
صادقی ۱۸ - شماره ۲۵
تلفن: ۳۷۰۰۹۲۲۵
ساعت پاسخگویی: ۱۸-۱۰

ثبت‌نام اینترنتی
www.edu-kh.ir

نمایشنامه‌نویسی مقدماتی
دکتر سهند خیرآبادی
چهارشنبه و پنجشنبه آخر ماه ۱۸-۱۴
۱۶ جلسه - ۳۰۰ هزار تومان

آشنایی با تئاتر
آرش خیرآبادی
شنبه و چهارشنبه ۱۰-۸
۱۶ جلسه - ۲۸۰ هزار تومان

گریم مقدماتی
سمیه ارقبایی
یکشنبه ۱۳-۱۱
۱۰ جلسه - ۳۰۰ هزار تومان

طراحی لباس
مونا بارانی
شنبه ۲۰-۱۷
۱۰ جلسه - ۳۰۰ هزار تومان

تئوری تئاتر: فقدان ایده تئاتری
مسعود صفری
شنبه ۲۱-۱۸
۴ جلسه - ۱۵۰ هزار تومان

بازیگری کودک و نوجوان مقدماتی
امین صبوری
سه‌شنبه ۱۲-۱۰
۱۰ جلسه - ۱۸۰ هزار تومان

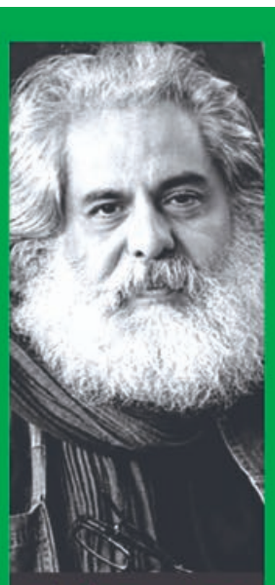

محمد رحمانیان
کارگردانی
از ایده تا اجرای یک نمایشنامه
۱۶-۱۷-۱۸ مرداد
۱۲ ساعت
۵۰۰ هزار تومان

هدایت هاشمی
بازیگری (بدن)
۲۴- ۲۵ مرداد
۱۲ ساعت
۴۰۰ هزار تومان

پیام فروتن
طراحی صحنه
۲۸- ۲۹-۳۰ مرداد
۱۲ ساعت
۲۰۰ هزار تومان

عارفه لک - پیام دهکردی
بازیگری (بیان)
۷-۸ شهریور
۱۲ ساعت
۴۰۰ هزار تومان

هنر جویانی که همه کارگاه‌ها را ثبت نام کنند از تخفیف ۱۵ درصدی بهره‌مند می گردند

۰/۹۸۰۵۷۳۰۹